



۱۰۶

سوسیالیسم امروز

۱۶ مرداد ۱۳۹۸ - ۷ اوت ۲۰۱۹

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سرویس: آزکیما

چند کلمه در باره دروغ بافی اخیر رئیس دفتر خامنه ای

صفحه ۳

نظام شورایی، آترناتیو یک طبقه و یک جنبش
معین است نه مال همه طبقات و همه جنبشها!
(سمینار آترناتیو شورایی، و پرسش و پاسخ با سلام زیجی)
(بخش اول)

صفحه ۴

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت درگذشت پدر رفیق سلام زیجی

صفحه ۱۲

پیام تقدیر و تشکر به مناسبت درگذشت پدر عزیزمان، احمد زیجی

صفحه ۱۱

در صفحات دیگر، و از رسانه های دیگر:

- جای کارگران و فعالین کارگری زندان نیست!
- روزهای اول و دوم دادگاهی اسماعیل بخشی
- جهان شرم آور سرمایه داری به راویت چند خبر و تصویر دیگر
- جنایات و استثمار جمهوری اسلامی و مقابله با آن
- از نگاه چند خبر و تصویر
- برای پدر سلام زیجی و پدرم ...

دادگاههای جمهوری اسلامی فاقد هر نوع اعتبار و مشروعیتی هستند!

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۲ و ۱۳ مرداد، "دادگاه عدالت" یک مشت مافیای اسلامی حاکم بر کشور مضحکه دیگری را تحت نام "دادگاهی" زندانیان هفت تپه برگزار کردند. مضحکه ای که در آن اوباشی به اسم "مقیسه" در مقام قاضی در همان نخستین عکس العمل به اسماعیل بخشی و وکیل او همانند یک لمین اسلامی قمه کش رفتار میکند که البته با پاسخ شایسته بخشی در همانجا مواجه میشود. همه میدانند که جمهوری اسلامی با این اقدامات وحشیانه در صدد انتقام گیری از اسماعیل و همراهان او و ایجاد ترس در کل طبقه کارگر ایران و جامعه است. هدفی که در این چهل سال حاکمیت ننگینشان همواره دنبال کرده است اما همچنان با خطر واقعی و هر روزه کارگر و اعتراض مستمر و برحق او مواجه است و تا زمان سرنگون شدنش از دست آن طبقه، که تنها طبقه اصلی و پیگیر سرنگون طلب با پرچم سوسیالیسم است، خلاصی پیدا نخواهند کرد.

دولتی که ۴۰ سال است ابتدائی ترین حقوق کارگران و اکثریت شهروندان را با زور سر نیزه به گروه گرفته است، مجبور است که تنها از راه زندان و اعدام و ایجاد رعب به بقای ظالمانه خود ادامه بدهد.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



اعلام دادگاهی مسخره برای کارگرانی که خواهان کار، نان آزادی و اداره شورایی هستند و به این شکل شنیع با آنها رفتار میگردد، در راستای سیاست ارباب و به منظور فرار از فشار گسترده اعتراضی در جامعه و در سطح جنبش کارگری صورت میگیرد. زندانی و محاکمه کردن کارگری که نان و کار و دستمزد معوقه میخوهد از سوی و از سوی دیگر هر روزه شاهد میلیاردها دلار دزدی و چپاول از جانب بالاترین مقامات و نهادهای همین نظام بودن، گویای عمق فساد و درماندگی و بحران و در لجن فرو رفتن هر چه بیشتر کل نظام اسلامی است. در اینجا است که جا دارد از طبقه کارگر و کل جامعه تشنه آزادی و برابری بخواهیم که چرا نباید در مقابل این ظلم و فساد فاحش که گریبان اکثریت جامعه را گرفته به میدان بیاییم؟ چرا گذاشتیم این عزیزان را بدون حضور میلیونی و اعتراض آمیز خود برای چنین نمایشهای بیرند؟

ما میتوانیم و باید کل بساط مضحکه "دادگاه" فعالین بازداشتی را مانند مضحکه فیلم سوخته اعتراف گیری کثیف شان بر علیه کلیت این نظام فاسد تبدیل کنیم. انجام این امر مهم نه از راه امیدواری صرف به این و آن اکسیون کم اثر یا امید بستن صرف به اعتراض نامه این و آن نهاد "کارگری" در ایران و جهان بلکه بدوا و اساسا از کانال به میدان آوردن و به میدان آمدن گسترده و مستقیم کارگران در همین هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر مراکز مهم کارگری کشور و با اعلام چند اعتصاب و اعتراض قوی در آن مراکز و چند شهر ممکن میگردد. تنها با چنین اقدامات محکم کارگری است که هم به دفاع شایسته ای از هم طبقه ایهای خود مبادرت ورزیده ایم، هم میتوانیم راه افسار زدن این رژیم را در تداوم تحقیر و انتقام علیه خود را هموارتر نماییم، و هم دهها میلیون شهروند نظاره گر غیر موجه در جامعه ایران را به تحرک و عکس العمل به نفع کارگران هدایت کرد و فراخوان داد.

از نظر حزب سوسیالیست انقلابی، احکام صادره و دیگر نمایشهای مسخره دادگاههای رژیم اسلامی هیچ مشروعیتی ندارد و قویا آنها محکوم میکنیم. دادگاههای جمهوری اسلامی مانند خود رژیم فاقد هر نوع اعتبار و مشروعیتی هستند! از نظر ما و جامعه ایران جمهوری اسلامی و تک تک سرانش مجرمان اصلی در کشور هستند و باید بر صندلی متهم نشاندند شوند نه کارگرانی که همه هستی این جامعه را ساخته اند اما سهمشان از این همه ثروت گرسنگی، بیکاری، بیخانمانی زندان و شلاق و تحقیر شدن است. تحمل این شرایط جهنمی شایسته هیچ انسانی نیست!

طبقه کارگر ایران و کل جامعه را به حمایت از کارگران و فعالین بازداشتی فرامیخوانیم. خواهان اعتراض و اعتصاب گسترده در اعتراض به تداوم فشار و زندان و مضحکه دادگاهی کارگران و دیگر فعالین در بند هستیم. جامعه ای که نتواند از شریفترین انسانهای این جامعه که بخاطر دفاع از حقوق و آزادیهای آنان نیز به زندان افتاده دفاع و حمایت نماید آزادی و رهایی اش بسیار دشوارتر خواهد بود!

همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۶ مرداد ۱۳۹۸ - ۷ اوت ۲۰۱۹



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

چند کلمه در باره دروغ بافی اخیر رئیس دفتر خامنه ای

آذر کیمیا

ما اکثریت مردم ایران نه نادان هستیم و نه احمق! این خودتان هستید! در این منجلابی که درست کرده اید هیچ کس مسئولیت نمی پذیرد و هر کسی دیگری را مسئول بدبختی کشور می داند. حکومت اسلامی خامنه ای با سلب آزادی از مردم ایران، به غارت بردن ثروت و منابع کشور، سرکوب هر روزه کارگران و زحمتکشان مطالبه طلب و تصویب قوانین زن ستیزانه و غیره خود را به ظالم ترین حاکم قرن تبدیل کرده است. خامنه ای که همچون طفلی در زندان نیازهای خود محبوس گشته و دریافت خود را از جهان با عزم و جزمی ناشی از نا امنی به دنیای خارج تحمیل می کند یک روان پریش تمام عیار است. او در انتظار خطر و ترس ناشی از خطر خروشان همین "فقرا" است که حکومت اش را تهدید می کند. او برای تداوم حاکمیت ظالمانه اش بر "فقرا" و خوش خدمتی به سرمایه داران کشور با ایده ی توهم توطئه و دشمن فرضی در صدد است جای خود را هر روز محکم تر کند و مانند این چهل سال سیاه میخواد هر آنکس را که مخالف خود ببیند از دم تیغ بگذراند. این چنین بوده که ارازل و اوباش متأسفانه در غیاب سکوت یا عدم اتحاد ما اکثریت جامعه متعلق به "فقرا" توانسته با گذاشتن عمامه ای به سر خود با غضب در طول این چهل سال بر ما حکومت کنند. اما آیا زمان پایان دادن به این همه جنایت و ناحقی فرا نرسیده است؟ پس چرا دست بر کلا باد برده خود گرفته ایم؟!

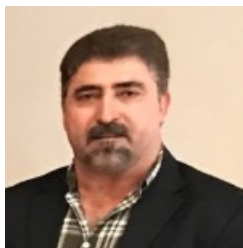
از همه تشکلهای کارگری، احزاب مترقی و سوسیالیست، و از افکار عمومی میخواهیم حول "نه به دولتهای امریکا و ایران"، "نه به ماجراجویی نظامی آنها"، "نه به تحریم اقتصادی" و نه به هر نوع تلاشی برای شروع جنگ ویرانگر به میدان بیایند، و متحدانه یک صف مترقی، آزادیخواهی، و ضد جنگ و ضد تروریسم و قلدری آن دو دولت مرتجع را در ایران و جهان شکل بدهیم.

رئیس دفتر خامنه ای از خدمات نظام اسلامی می گوید! گویا شب و روزی بر رهبری نمی گذرد که به فکر فقرا نباشد! لعنت بر دروغ گو!! گلپایگانی رئیس این مرکز فساد و جنایت و دزدی می گوید "همه امکاناتی که در اختیار ایشان (خامنه ای) است در اقصی نقاط کشور خرج همین افراد می کند". کدام افراد؟ منظور آخوند گلپایگانی حتما بسیجیها و سپاهی ها و نظامیان و شگنجه گران مفت خور و بی شرف اسلامی در ایران و همچنین منظورشان از به "فکر فقرا" بودن رهبر همین حزب الله، حشد شعبی، فدائیان اسلامی، فاطمیون و دیگر مرتجعین و آدمکشانی باشد که برای بقای نظام فاسد اسلامی و دیگر حکومتهای فاشیست ضد "فقرا" سرگرم جنایت و چپاول اموال فقرا هستند. فقط بروید ثروت باد آورده همین خامنه ای کثافت را بر آورد کنید ببینید با همین پول نمیتوان تمام ریشه های فقر و انسانهای فقیر را از بین برد؟ وجود فقر و فریب مردم که گویا فقر کار خدا ی خیالی و ظالم تان است، و اینکه بهشت در آن دنیا مال فقرا است اما خودتان هم بهشت واقعی و هم ثروت این دنیای واقعی را با نیرنگ و سرکوب از آن خود کرده اید و به جیب زده اید، و اسم این جنایت و ظلم بی انتها را میگذارید "در فکر فقرا" بودند؟! شرم هم حد و مرزی دارد!

هر کسی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت، کار، مسکن، دارو، و تحصیلات و سرمایه کافی برای زندگی برخوردار باشد. هر انسانی بالغ حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خود را انتخاب کند، آموزش و پرورش رایگان حق همگان است. کدام یک از اینها که حق اولیه هر شهروند ایرانی است تامین شده و از جانب شما اسلامیون دزد و حقه باز به اجرا گذاشته شده است؟

حالا آقای خامنه ای این همه ثروت را از کجا آورده، از کیسه ی خلیفه می بخشد؟ چرا این مرد خدا باید راحت و خوشحال زندگی کند و بقیه گرسنه؟ همه آن کارها که علی خامنه ای کرد و می کند و آن زندگی که برای خود و بستگانش فراهم کرده از مجرای کار کردن و زحمت کشیدن که بدست نیامده، همه مال دیگران است که تصاحب کرده است. برخورداری از این سطح از رفاه و امنیت و آرامش که شما دار و دسته رهبر و مقامات و آخوندها و سرمایه داران دزد برای خود تامین کرده اید چرا نباید حق تمامی مردم ستمدیده و زحمتکش ایران نیز باشد که خودشان با زحمت و تلاش شبانه روزی تهیه کرده و نان شما را هم میدهند. می باید این نوع ناعدالتی و گسترش تضاد طبقاتی که اتفاقا خامنه ای و دولتش بانی آن هستند مورد نقد همگانی قرار بگیرد. عق است همه علیه آن حرف بزنند و اعتراض کنند. این نفهم های حاکم اسلامی چنان با "مهربانی" حرف می زنند که انگار دنیا نواده اوست.

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!



نظام شورایی، آلترناتیو یک طبقه و یک جنبش معین است نه مال همه طبقات و همه جنبشها! (متن ترجمه شده سمینار آلترناتیو شورایی، و پرسش و پاسخ با سلام زیجی) (بخش اول)

رژیم فاشیست اسلامی و برای آزادی اش می جنگد نباید به سناریوها و آلترناتیوهای امید ببندد که فرق زیادی با همین جمهوری اسلامی ندارند.

ما به مثابه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در بخش دوم برنامه خود نظام شورایی را به عنوان مطلوبترین و آزاد ترین نظام حکومتی طرح کرده ایم. در این باره بیشتر توضیح میدهم و ملاحظیات و یا نقدهای که در این باره و در برخورد به کسانی که از "شورا" هم دفاع میکنند، نیز دارم در اینجا بطور فشرده در جریان بحث بیان میکنم

نظام شورایی یک آلترناتیو طبقاتی- سوسیالیستی است نه یک پدیده ماورا طبقاتی!

ضروری است بدوا تاکید کنم که نظام شورایی که مورد نظر ما است الزاما با همه کسانی که از "شورا" صحبت میکنند یکی نیست! همانگونه که متأسفانه شاهد هستیم چگونه مفاهیم و ماهیت "آزادی"، "برابری"، و محتوای "کمونیسم و سوسیالیسم" و غیره نیز از جانب طبقات و افکار دارا و روشنفکران بورژوا و چپ ملی و پوپولیست دست کاری شده، وارونه معرفی و نمایندگی شده، از مسیر واقعی جنبشی خود خارج گردیده، در شکل و محتوای نظام شورایی نیز به همان ترتیب لباس بورژوائی و پوپولیستی و راست تنش کرده اند و مورد سو استفاده قرار گرفته و تبدیل شده به یک سیستمی که گویا در آن "گرگ و میش" با همدیگر در یک جزیره مشترک آرام به حیاط خود ادامه می دهند؟ من این تصویر را رد میکنم، اصلا چنین نیست!

برای ما نظام شورایی و یا تشکل های شورایی اولاً ماورا طبقاتی نیستند، بلکه شکل نظام حکومتی و نوعی از اداره سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است که اساسا به طبقه کارگر و زحمتکش جامعه و محرومان و سرکوب شدگان تا کنونی تعلق دارد، به آنهایی که همه عمرشان نظام و طبقه دیگری بر آنها حکومت کرده و میکند ربط دارد نه به همه "مردم"، سیستم شورایی ما برای حراست از جامعه و طبقه و مناسبات و استثمار کنونی به شکل "برادرانه" و "همه با هم" نیست!، برعکس برای از سر راه بردن آنها و در نهایت به هدف استقرار یک نظام بری از تبعیضات طبقاتی، جنسی، ملی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و به منظور لغو مالکیت خصوصی، لغو کار مزدی، و سرانجام لغو طبقات گام بر خواهد داشت، و از این رو به نظام شورایی (نظام اکثریت جامعه، نظامی که با شور و مشورت جمعی سر نوشتش از یک محله تا کل کشور و با اتکا

رفیق آوات، اداره کننده شبکه اجتماعی "شورای هاوپشتی خه لکی کوردستان":

ضمن خوش آمدگویی به مهمان این برنامه رفیق سلام زیجی دبیرشورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی، همچنانکه میدانید و پیشتر اعلام کرده بودیم سمینار امشب بحث شورا است. اطلاع دارید که انواع طرح و آلترناتیو مطرح است، از قوم پرستی تا فدرالی و شونیستی و پارلمانی و دیگر بدیل های دست ساز دولتها از جمله امریکا یا طرحهای ملی و مذهبی تا آلترناتیو حکومتی سکولاریستی و نظام شورایی و کارگری. اکنون در ایران هم این مسائل و طرح ها مطرح است که با سرنگونی جمهوری اسلامی این بدیلها و یا کدامیک از آنها میتواند جایگزین گردد. ما طبعا سیستم شورایی را بهتر از همه طرحهای طرح شده میدانیم برای مردم ایران چونکه از این طریق منافع عمومی توده مردم تامین خواهد گردید. در این رابطه از رفیق سلام میخواهیم در ۲۰ تا ۲۵ دقیقه در باره ضرورت نظام شورایی و شرایط ایران بحث های خود را ارائه کنند، در صورت طرح سوال رفقای دیگر شرکت کننده در بخش بعدی رفیق سلام زیجی به آنها پاسخ خواهند داد.

سلام زیجی: ابتدا از شما رفیق ثاوات بخاطر ترتیب دادن این سمینار و همچنین از همه دوستان گرمی شرکت کننده در سمینار تشکر میکنم و امیدوارم با هم بتوانیم تصویر روشنتری از این بحث مهم بدست بدهیم و به انتخاب و روی آوری شهروندان به آلترناتیو شورایی کمک بیشتری کنیم. همچنانکه شما نیز اشاره کردید، در پس تحولات سیاسی ایران انواع راه حل و بدیل سیاسی و اینکه بعد از جمهوری اسلامی چه آلترناتیوی بیاید سر کار بیاید از هم اکنون در همه جا کم و بیش و واقعی یا غیر واقعی مطرح است. تا جایی که به "آلترناتیو" طبقات و احزاب بورژوائی بر میگردد ما در قالب نشریه سوسیالیسم امروز یا گفتگوهای دیگر تقریبا در نقد و رد همه آنها اسناد و مباحث کافی تا این لحظه داشته ایم. در هیچکدام از آنها نه تنها راه رهائی و آزادی و خوشبختی را برای جامعه ایران نمیتوان جستجو کرد و به ارمغان آورد که با پیروزی هر یک از آنها هیچ تغییر پایه در زندگی جامعه صورت نمیگیرد و دوباره دست بدست کردن قدرت زورگویان و سرمایه داران و تداوم جنایت و استثمار را به ما تحمیل میکنند. یعنی تکرار همان رویداد انقلاب ۵۷ و آوردن جریان خمینی بجای شاه مستبد.

وقت نیست اینجا که در باره خونین بودن سناریو فدرالیسم قومی، یا طرای شونیسم فارس و یا طرحهای که امید دارند در سایه سیاست ارتجاعی رژیم چنجی امریکا به نتیجه برسد بیشتر توضیح بدهیم، در هر صورت ما همه آنها را ضد مردمی و ضد آزادیخواهی میدانیم و فکر میکنیم کسی که برای رهائی از چنگ

ادامه ←

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

نظام شورایی ...



به رای اکثریت همه اعضای شورا، یعنی همه شهروندان متشکل در چنین نظامی، تعیین تکلیف خواهد شد و برای همه مسائل زندگی شهروندان تصمیم خواهد گرفت).

چنین سیستمی از آنجا که طرح و آترناتیو یک طبقه معین، طبقه کارگر، و یک جنبش پیشرو، جنبش سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان است بدون روی آوری جامعه و حداقل اکثریت شهروندان به این طبقه و جنبش و کلا قطب چپ امکان استقرار نظام شورایی که عملاً یک نظام سوسیالیستی یا پیش درآمد استقرار کامل یک نظام سوسیالیستی نیز هست، نیست. از این زاویه وقتی ما از تشکل و یا نظام شورایی صحبت می‌کنیم منظورمان همان نمونه های تاریخی تاکنونی، با همه کم و کاستی که داشته، از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر روسیه، و همچنین رویداد انقلاب ۵۷ ایران و شکل گرفتن شوراهای کارگری یا در جوامع کرد نشین همچنین شوراهای زحمتکشان و محلات که در کردستان عراق نیز تجربه شد و یا شوراهای زحمتکشان که در دوره ای که خود ما در کردستان ایران جامعه را بدون حضور جمهوری اسلامی اداره می‌کردیم می‌باشد. به این اعتبار تحقق نظام شورایی در گام نخست در هر جایی محصول مبارزه طبقاتی و به میزان رشد و عروج طبقه و جنبشی گره خورده است که در تحقق چنین سیستمی ذینفع است و خودش را به قدرت می‌رساند، ستم دیدگان تا کنونی را به حاکمیت می‌برد و اقلیت استثمارگر را پائین میکشد، پس برای پیروزی و قدرت گیری خود تلاش میکند نه برای "همه مردم" و نه برای هر جنبش و جریان و فرقه راست و ارتجاعی و بورژوائی را که هرگز چنین نظام شورایی را آزادانه نمی‌پذیرند!

نظام شورایی یعنی اعمال اراده و کسب قدرت از پائین

همچنانکه گفتیم شورا یعنی شور جمعی، تصمیم گیری جمعی و این جمع هم اساساً توده کارگر و زحمتکشانی هستند که به وسیله دولتها و سرمایه داران سرکوب و بی حقوق شده اند و راه هر نوع تصمیم جمعی شان را سد کرده اند. شورا به این بخش بزرگ از جامعه اختیار و قدرت اجتماعی و قانونی می‌دهد و اراده جمعی و انسانی اش را به او به عنوان صاحب اصلی جامعه باز می‌گرداند. از این جهت نظامهای مبتنی به شوراهای واقعی باب طبع هیچ دولت و جنبش و حزب و فردی که به سرمایه داران و زورگویان نیست!

نظام و جنبش شورایی به هر کسی که به برتر طلبی دینی و ملی و جنسیتی تعدادی بر تعدادی دیگری اعتقاد داشته باشد تعلق نمی‌تواند باشد، چرا که شورا قرار است آزادی و عدالت و برابری شهروندی را در همه سطوح زندگی برقرار کند، نظام شورایی وقتی شورایی است که اقلیت حاکم را از اریکه قدرت پائین بکشد و خود که نماینده اکثریت است رهبری و اداره همه وجوه سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی جامعه را در اختیار داشته باشد. دولت شورایی به واسطه کنگره سراسری شوراهای که شامل شوراهای کارگری و نمایندگان دیگر بخشهای جامعه از محلات و روستا تا شهرها و شوراهای صنف و بخشهای متفاوت جامعه را در بر میگیرد. و هر گاه اکثریت آن بخش بخواهند هر کسی را میتوانند اذل کنند یا برای هر نوع تصمیمی به نفع جامعه (اکثریت شهروندان) بدون نیاز به قواعد و قوانین دست و پاگیر بورژوائی کنونی بر اساس قوان مدون خود فوراً برای ایده و تصمیم اقدام نماید و اعضا شورای مربوطه را برای تصمیم گیری فراخوانند.

نظام شورایی نظام اکثریت شهروندان است نه نظامهای پارلمانی، دموکراسی، پادشاهی، اسلامی و ...

تا حال به ما گفته اند این و آن دولت مال شما است، پارلمان نماینده اکثریت مردم است، مگر نمی بینید "انتخابات" شده؟! این حقه بازی ها به قدمت تاریخ نظام سرمایه داری وجود داشته است. در حالی که کسی که "انتخاب" هم میشود با قدرت پول و قدرت پروپاگاند فریب مردم به این مقام می رسد تازه اکثریت نزدیک به نصف شهروندان هم در آن شرکت نمی کنند. حتماً خبر دارید کمپین مجدد مالی ترامپ قلدر در امریکا سر به دهها میلیارد دلار زده است، معلوم است همچون سرمایه داران گردن کلفتی در نظام دموکراسی و پارلمانی یا اسلامی و پادشاهی و دیگر سیستمهای بورژوائی میتوانند به قدرت برسند نه انسانهای شرافتمند و زحمت کشیده و ذیصلاح در جامعه، به علاوه این نظامهای نامبرده بورژوائی تا امروز نه تنها هیچ دردی از مشکلات بی شمار شهروندان درمان نکرده اند که خودشان عامل و مرکز سم و درد و جنایت و جنگ و استثمارند!

بنابر این برای همه باید روشن باشد هر پدیده و سیاست و تشکلی که اسمش را گذاشتند "شورا" به معنی مثبت بودنش نیست. باید اهداف و عملکرد پشت چنین شوراهای را با دقت مورد توجه قرار داد. ما در ایران وقتی شوراهای واقعی مان سرکوب شدند، جمهوری اسلامی آمد "شورای اسلامی" ایجاد کرد تا با این اسم آخرین بازمانده گرایش شورایی درون طبقه کارگر را به بیراهه ببرد و سرکوب کند، و چنین هم کردند، تا به دولت و سرمایه داران و خرافه دینی کمک کند. یادتان باشد فکر کنم صدام حسین هم انجمن، به نوعی در همین شکل شورا بودند، درست کرده بود، در دوره دهه شصت شمسی حزب دمکرات کردستان ایران هم رفت شورا درست می کرد نه برای آزادی و منفعت مردم زحمتکش بلکه به نفع حزیش و پیشمرگانش و اربابان و زمین داران بزرگ و سرمایه داران. همین امروز ما چند اپوزسیون ضد کارگری و راست داریم به اسم "شورای ملی" که یا طرفدار نظام پادشاهی هستند یا یک نوع نظام اسلامی دیگر و غیره فعالیت میکنند. بنابر این نفس واژه "شورا" با هر اعتباری که در تاریخ برای چپ و آزادیخواهی داشته بنظرم امروز با تکرار کلیشه ای آن نمی تواند واقعیت انقلابی و کارگری و طبقاتی بودن نظام شورایی را نمایندگی کند و به سر انجام برساند.

ادامه ←

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

نظام شورایی ...

ما مخالف این سیاست و رویکرد راستروانه و پوپولیستی در برخورد به پدیده شورا هستیم. من فکر میکنم این سیاستها خود سد راه و مانع شکل گرفتن جنبش واقعی و رادیکال جنبش شورایی از جمله شوراهای کارگری بوده و خواهند بود!

جنبش شورایی را نمیتوان از جنبشهای سیاسی و احزاب جدا کرد

ملاحظه جدی دیگری که دارم و در مباحث شما هم چند بار در سمینارهای قبلی تان شنیده ام این است که گویا جنبش شورایی از حزاب جدا است، به نوعی حتی از جنبشهای سیاسی جدا است، انگار باید همه منحل شوند و به این نوع شورای فرضی باید ملحق شد تا بتوان "متحد" شد و شورا به قدرت برسد. من با این دید موافق نیستم، واقعی نیست. برعکس، همچنانکه گفتیم شوراها محصول جدال و مبارزه طبقاتی در جامعه ای است که در آن احزاب و جنبشهای سیاسی متفاوت و متضاد معنی زمینی و واقعی دارند. ما حزب سوسیالیست انقلابی ایران هستیم، برنامه مان موافق نظام شورایی هم هست اما خود را در شورا و در پروسه شکل گیری نظام شورای منحل نمی کنیم. نظام شورای و پیروزی آن در گروه وجود احزاب از نوع ما است که جنبش شورایی و نظام شورایی و سوسیالیستی پرچم و تبدیل نظام حکومتی اش است. اگر احزاب و اعضایش شهروند جامعه اند چگونه میتوانند در مکانیزم قدرت گیری در همان جامعه و انهم وقتی طرح خودش هم است و برایش مبارزه میکند بی نقش و منحل گردد. وقتی که ما یک نظام کامل سوسیالیستی و یک نظام بی طبقه را به سر انجام رساندیم انزمان همانطوری که طبقات و تضاد طبقاتی باقی خواهد ماند احزاب سیاسی هم ضرورت وجودیشان را از دست میدهند.

اما کاملا روشن است در هر جایی که شورا شکل گرفت این تصمیمات و سوخت و ساز درون آن ارگان است و از هر نظر تصمیم گیرنده است و مستقل عمل میکند! احزاب هم البته میتوانند از کانال اعضایشان که عضو شورا هم هستند یا از طریق تاثیر گذاری سیاسی و معنوی و دادن افق روشن سیاسی نقش ایفا نمایند و تاثیر مثبت یا حتی تاثیر منفی بگذارند. هر چه احزاب سوسیالیست و کارگری و مترقی بیشتر باشند جنبش شورایی که گفتیم بهتر و درستتر جلوی رود، هر چه طبقه کارگر داری تشکل های کارگری بیشتر و مستقل تری باشد، بر کل روند نظام شورایی تاثیر بهتر و مثبت تری خواهند داشت. اما به هر میزان جنبش طبقه کارگر و سوسیالیسم ضعیفتر باشد چنین جنبشی شورایی نیز هم شکل گرفتنش مشکلتر است و هم بدون تردید به سرانجامی که مورد نظر است نمی رسد، و اگر هم برسد از جنس دیگری خواهد که قبلا نمونه هایش را ذکر کردیم. در هر صورت وجود احزاب، از جمله احزاب سوسیالیست و کارگری و جنبش شورایی لازم و ملزوم همدیگرند، حداقل از نگاه ما کارگران و سوسیالیستها.

ادامه ←

اولین گام در راه کسب آزادی انسان به گور سپردن این نوع نظامهای بورژوازی چه در قالب اسلام چه مهین و ملت و چه دمکراسی و پارلمانی است. نظام شورایی که یک پیکره تفکیک ناپذیر از نظام سوسیالیستی است و شرط اول به پیروزی رسیدنش سرنگونی این نوع نظامها در کشوری است که در آن به تحرک در آمده است. سیستم انتخاباتی مورد نظر ما در نظام شورایی کاملا برعکس بدون پول بدون زور و فریب و کاملا آزادانه و برابر برای همه میتواند به نتیجه برسد. به معنای دقیق کلمه انتخابات آزاد و برابر اجرائی میشود و بدین ترتیب حاکمیت واقعی برآمده از اراده شهروندان و اکثریت جامعه تامین میگردد.

در نظام شورایی تصمیمات درست تر و عاقلانه تر و به نفع اکثریت شهروندان نشسته آزادی و برابری و رفاه و امنیت است. از اینرو رای به سرکوب زنان نمی دهد، رای به ازدواج دختران خورد سال نمی دهد، رای به تداوم اختلاف و تبعیضات بر حسب ملیت و مذهب و جنسیت نمی دهد، رای به تداوم فقر و تبعیضات طبقاتی نمیدهد، و... در نتیجه معمولان این کارگران و زحمتکشان و جنبش سوسیالیستی و کمونیستها هستند که پرچمدار و حامی نظام شورایی خواهند بود. نیروهای که به اعدام و به سرکوب، به قوانین ارتجاعی مذهبی، به راه انداختن تفرقه و جنگ قومی به شونیسیم و ناسیونالیسم و تداوم تبعیض بین شهروندان باور دارند روشن است نمیتوانند در نظام شورایی. که اتفاقا برای از بین بردن همه این ستمها و خرافات و نابرابریهای ضد انسانی تشکیل میشود، همراه شوند. حتما سنگ اندازی میکنند و در نهایت با قدرت اکثریت متشکل در همین شوراها این اقلیت منفی را باید سر جایشان نشاند تا به مرور زمان آموزش ببینند و اصلاح شوند و به دنیای انسانی برشان گردانیم!

پوپولیستها سرویس دهنده به جنبش بورژواها، نظام شورایی را نیز پوپولیستی میکنند!

هم اکنو بخشی از نیروهای چپ در ایران شعار شوراها را سر داده اند که بیشترشان بنظرم نگاه بسیار راست و پوپولیستی به نظام شورایی دارند. درست مانند "جنبش سرنگونی" شان و درست مانند "همه با هم بودن" های که همواره طرح می کنند. اولن باید دید شکل دادن به شوراها، آنها در زیرحاکمیت یک نظام فاشیست اسلامی، در چه دورانی ممکن تر و واقعیتتر است. دوما باید از همین امروز روشن باشد شوراها گر چه محمل گرد آوری "مردم" میتواند باشد اما به هیچ وجه آلترناتیو مطلوب همه مردم و جنبشهای سیاسی نبوده و نخواهد بود. بعلاوه قاطی کردن نام "شوراهای کارگری" با "شوراهای مردمی" آگاهانه یا نا آگاهانه تلاش یک جنبش سیاسی راست و پوپولیستی است که تحت این نام مانع شکل گرفتن ستون فقرات و اولیه جنبش شورایی، یعنی شوراهای کارگری در مراکز کار و کارگری، و مانع پیشروی مستقلانه آن جنبش هستند که در پوشش "چپ مردمی" به این تئوریهای مضحک خود رنگ "کمونیسم" "حکمتیست" و کمونیسم کارگری" و "خلق" و غیره میزنند.

نمان یا سایت سوسیالیسم امروز:

info@simroz.org

نمان یا دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

نظام شورایی ...

ویژه گیهای تاکتیکی جنبش شورای در کشورهای تحت حاکمیت استبداد خشن بورژوائی

بیشتر بر بستر یک "جنبش سرنگونی طلبی" همه با هم (که آنها به اندازه طول تاریخ حزب و سازمانشان معتقد هستند این جنبش "در میدان" است و روز فینالش را هم هر چه تعیین میکنند باز سرانجام این صف انتظارشان درست از آب در نمی آید. حال یکبار اسم همین هیولای "جنبش سرنگونی" سبز است، یکبار اسمش آل اهواز میشود، یکبار در نماز جمعه رفسنجانی و حتی رژه "مردمی" در مرگ او خردنمائی میکند و این آخری هم که همه شان یکجا توافق دارند در دیمه دو سال پیش این "انقلاب" و "جنبش سرنگونی" به میدان آمده و هنوز هم ادامه دارد، و فشار امریکا و تحریم اقتصادی هم حال این جنبش را خوش و حال رژیم را برایشان ناخوش کرده است!) دارند این طرحها را طرح میکنند نه بر متن به میدان آمدن یک جنبش مستقل رادیکال و خودآگاه انقلابی کارگری/توده ای و ذینفع در ایجاد فروری شورهای کارگری تا بر این بستر ایجا شورهای توده ای (یا بقول آنها "شورهای مردمی") در محلات و دیگر رشته و صنفها نیز امکان شکل گرفتن پیدا کنند.

محتوا و ماهیت جنبش شورایی و نظام حاکمیت شورایی در همه جای دنیا یکسان است اما چگونگی تحقق آن بنظر یکسان نیست. تاکتیکیها و موانعی که هست یکی نیستند، همانطوری که برای مبارزه جنبش طبقاتی و سوسیالیستی ما هم اگر چه ماهیتا یک ترند است اما معمولا در اروپا و غرب و ایران و عراق و خاورمیانه فکر میکنیم چگونگی مقابله بورژوازی با ما و ما با آنها در همه این مناطق نه یک مسیر را طی میکند و نه دارای یک شکل و یک تاکتیک مشترک میتواند باشد، چنانچه این ویژگیها را نادیده بگیریم و همه جا یک ساز بزنییم، ناکام خواهیم بود، و اشتباه میکنیم.

علاو به ویژگیهای مهم مبارزه جنبش ما با آن دولتهای استبدادی و ارتجاعی و آدمکش های مسلح که بدون در نظر گرفتن آن نمیتوان بطور "کلاسیک" هیچ مبارزه جدی کارگری و سوسیالیستی را به پیروزی رساند، و فکر کنم چهل سال تجربه برای هر آدم فکر کرده ای در این باره کافی است!، باید اضافه کنم و ضروری است در چنین کشوری، اگر نه در گام نخست، اما در ادامه باید هر طرفدار جنبش شورای در ایران این را بداند که همانطوری که جمهوری اسلامی را هرگز با زبان خوش و با چند راهپیمائی و اعتراض نمی توان سرنگون کرد و نتوانسته ایم در این چهل سال سرنگونش کنیم، با شکل دادن به جنبش شورایی نیز مادام چنین جنبش و سیاستی متکی به یک سیاست روشن و همزمان آماده برای مسلح شدن نباشد شکستش حتمی است.

بنظر من خیلی از چیزها در مناطقی مانند ایران و عراق و مناطق کرد نشین و غیره سیاست اشتباه آمیز و اساسا روشهای به اصطلاح "کلاسیک" مبارزه طبقاتی" را پیشه کرده اند و همین مانع توده ای شدن و پیروزی همین کمونیسم و صف آزادیخواهی و حتی رشد زمینههای اجتماعی شکل دادن به نظام حکومتی شورایی شده است. یا بخشا هم به حزب یاد تبدیل شده اند و برای "توده ای" شدنشان به جای پاسخگوی سوسیالیستی به روند مبارزه و ضرورتهای آنجا یا موج سواری میکنند و یا شغلشان شده زنده باد "مردم" و "زنده باد جنبش مردم" و غیره که عملا به جای کمونیسم پوپولیسم و ناسیونالیسم را باد زده و تقویت کرده اند. ما امروز در باره جنبش شورایی در کشورها و مناطقی داریم صحبت میکنیم که هم دولت و هم اپوزسیون دست راستیش بوی از واژه آزادی و عدالت و رفاه و انسانیت نبرده و نخواهند برد، زبان آنها در مقابل هر مطالبه ای از دیخواهانه و کارگری زبان زور و مرگ و اسلحه است. بنابر این یک کودک هم می فهمد که حکومت مثل جمهوری اسلامی اکنون به دلخواه خود را برای شکل گیری شورهای نه کارگری و نه "شورهای مردم" هموار نمیکند، حداقل باید از تجربه اخیر هفت تپه این واقعیت ساده را فهمید! جنبش شورایی را باید با قدرت جنبش خود به چنین دولتی تحمیل کرد! و کسی هم که میخواهد آنرا تحمیل کند خود باید جای در جدال قدرت داشته باشد! با شعار دادن نمیشود کاری کرد.

هم ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی، که طبعا به ابزار مبارزه و اعتراض و اعتصابات هم متکی باید باشد و هستیم، اما باید بدانیم آن جنبشی که قرار است چنین نظام وحشی را ساقط کند، و آن جنبش شورایی که قرار است فردا همه ارگانهای سرکوب و مسلح را ملغا اعلام کند، برای این امر از بدو شروع خیزش برای سرنگونی کلیت نظام حاکم باید در بعد میلیونی به عنوان میلیس مسلح سازمانیافته توده ای نیز خود را سازمان بدهد.

همین دیروز جمهوری اسلامی کارگران که برای روز کارگر تجمع کرده بودند با وحشیانه ترین شکل مورد یورش و سرکوب قرار داد و دهها نفرشان را روانه زندان کرده اند. در سال ۵۷ وقتی شورهای کارگری داشتیم اولین حمله را به این شورها کردند، در کردستان عراق به همین ترتیب در اوایل دهه ۹۰ میلادی وقتی شورها شکل گرفت مورد سرکوب و ترور قرار گرفتند. برای اینکه چنین اتفاقاتی تکرار نگردد باید از آن رویدادها درس گرفت، به تکرار مکرر شعار دانهای بی عمل اکتفا نباید کرد. در این کشورها باید تشکل کارگری و تشکیلات و حزب و نیروی مسلح و یک نسل عظیم از رهبران و انسانهای رزمنده (نه فسیل شده و ترسو و شکم سیر و غیر قابل اعتماد و یا قهرمانان صرف فیس بوکی) و فداکار و آماده مبارزه قهرمانانه را در زمین صفت مبارزه طبقاتی داشت، و آنرا سازمان داد تا بتوان روزنه امید و پیروزی را جلو همه گذاشت. در این حالت و تامین این حداقل تناسب قوای مناسب است که میتوان اطمینان و امید بیشتری به پیشروی جنبش شورایی به عنوان ارکان قدرت توده ای بدست آورد و درجه روی آوری عمومی به آن را ممکن تر کرد.

نه تنها جمهوری اسلامی، که همه امکانات کشور را در اختیار ابزارهای متعدد سرکوب و ترور قرار داده است، حتی اپوزسیونهای را نیز داریم که از همین امروز بخاطر یک وجب خاک بی ارزش خط و نشان شروع جنگ ارتجاعی قومی میکنند و سیاست بیشتر اپوزسیون راست حتی در قبال کارگر و شورا و آزادیهای سیاسی هیچ فرقی با جمهوری اسلامی ندارند. ما در این کشور و شرایط داریم از شکل دادن به جنبش شورایی حرف میزنیم و باید جنبش شورایی ما برای آن هم خود را آماده کند!

جنبش شورایی در ایران و ضرورت مسلح شدن شورها

با توجه به نکاتی که بیشتر اشاره کردم حداقل در ایران من معتقدم نمیتوان به روال که برخی ادعا دارند شورهای سازمانیافته جدی و ادامه دار را شکل داد. و من فکر میکنم برعکس تخیلات غالب پوپولیستی بر چپ، نمیتوان از این راه رفت کم کم قدرت را از جمهوری جنون اسلامی گرفت. نه اینطوری ممکن نیست، پیش از واقعی بودنش تخیلی و گریز از تلاش واقعی برای ایجاد شورهای واقعی در همه تار و پوت آن جامعه است.

این مخاطرات واقعی را تنها و تنها با برخورداری از یک جنبش قدرتمند کارگری و توده ای شورایی متحد و مسلح به همراه احزاب مسئول و متعهد به چنین جنبشی قادر به خنثی کردنشان خواهد بود. این جنبش باید با پرچم سوسیالیستی روشن فراخوان حقانیت خود را برای کل شهروندان هر روز ارائه کند تا با کسب حمایت اکثریت جامعه از خود راه پیروزی و شکست جمهوری اسلامی و بقیه کانگسترهای مسلح و نیروهای ضد جنبش شورایی و ضد سوسیالیستی را از سر راه جامعه هموارتر کند.

در اینجا من بحث را به پایان میبرم و در بخش دوم میتوانیم به پرسشهای احتمالی حول خطوط کلی بحث شورا که عرض کردم بیشتر بحث را باز کنیم.

ادامه دارد.....

<https://www.facebook.com/637057660045472/videos/410390839511228/>

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

بیانیه جمعی از کارگران و فعالین سنندج در حمایت از کارگران زندانی و بازداشتی های اول ماه مه جای کارگران و فعالین کارگری زندان نیست!

کارگران! از حمتکشان! مردم آزادیخواه و برابری طلب!

همچنان که مستحضرید پس از اوج گرفتن اعتراضات کارگران نیشکر هفته و فولاد اهواز در سال ۹۷ به حقوق های معوقه و روند خصوصی سازی ها و عدم امنیت شغلی و غیره، کارگران این دو واحد تولیدی به همراه خانواده های شان حدود یک ماه در خیابان های شوش و اهواز و با طرح مطالبات واقعی شان دست به اعتراض و اعتصاب زدند که با حمایت گسترده در دیگر بخش های کارگری چه در داخل ایران و چه در سطح بین المللی مواجه شد.

پس از این اعتراضات، حافظان سرمایه از ترس فراگیر شدن این اعتراضات و اعتصابات و به صورت قهرآمیز دست به سرکوب این اعتراضات و حامیان آن زدند. از جمله اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه و علی نجاتی کارگر بازنشسته هفت تپه و سپیده قلیان خبرنگار مستقل و دیگر فعالین کارگری از جمله عسل محمدی امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری و امیر امیرقلی که در حمایت از این اعتراضات قلم می زدند تا صدای آنان را به گوش هم طبقه های شان برسانند در دستور کار نهادهای امنیتی و قضایی قرار گرفت تا بار دیگر ضدیت خود را با طبقه کارگر ایران به اثبات برسانند.

اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه، ساناز الهیاری و امیر حسین محمدی فرد و سپیده قلیان و امیر امیرقلی با گذشت بیش از شش ماه بازداشت و با وجود پایان بازجویی های شان و حتی بدور از قوانین قضایی حال حاضر ایران همچنان به صورت کاملاً غیر قانونی بازداشت و بلاتکلیف می باشند.

امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری همسرش در اعتراض به این رویه معمول مقامات امنیتی و قضایی و دیگر حقوق زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زده اند.

در این میان ساناز الهیاری که در پی وخیم شدن وضعیت جسمانی چندین بار به بهداری زندان منتقل شده بود پس از دوازده روز وبا اسرار خانواده و همسرش دست از اعتصاب غذا کشید، اما همچنان امیر حسین محمدی فرد در بیست و ششمین روز اعتصاب غذایش دچار افت شدید فشار خون و سرگیجه شده و چندین بار نیز توسط هم بندی هایش به بهداری اوین منتقل شده است که پزشکی بهداری هشدار جدی و احتمال خونریزی داخلی را داده است. از طرفی سپیده قلیان که از یکم مرداد دست به اعتصاب غذا زده است در پی وخامت وضعیت جسمانی بیهوش و به بهداری منتقل گردیده است.

استقامت و عزم استوار این عزیزان مورد حمایت گسترده کارگران و فعالین کارگری و اجتماعی و دیگر مردم آزادیخواه ایران و جهان قرار گرفته است و از طرفی ادامه وضعیت حیاتی این فرزندان راستین طبقه کارگر موجی از نگرانی را برای خانواده های شان و دیگر بخش های پیشرو جامعه داشته است.

لذا ما جمعی کثیری از کارگران و فعالین کارگری سنندج و خانواده های مان حمایت بی دریغ خود را از خواسته ها و مطالبات این عزیزان اعلام می داریم و آزادی بی قید و شرط تمامی آنها و متوقف کردن تعقیب قضایی و پرونده سازی برای کارگران و فعالین کارگری از جمله اسماعیل بخشی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، سپیده قلیان، علی نجاتی و عسل محمدی و بازداشت شدگان روز جهانی کارگر ندا ناجی، عاطفه رنگریز و انیسا اسدالهی را خواستاریم و عواقب ناشی از هر نوع اتفاق ناگواری را برای این عزیزان متوجه مقامات قضایی و امنیتی و مسئولین زندان ها می دانیم.

در پایان ضمن ارج نهادن و احترام به تصمیم این عزیزان در ادامه اعتصاب غذای خود تا رسیدن به خواسته های شان، از این رفقای گر انتقار تقاضا نمودیم برای تداوم مبارزه خود که تا این لحظه صدای شان برای طبقه کارگر ایران و جهان رساتر شده، خواستاریم که اعتصاب غذای خود را پایان دهند و تاب و توان خود را در ادامه هر چه هموارتر کردن مسیر مبارزه طبقاتی تا رسیدن به دنیای آزاد و برابر قرار دهند.

جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنندج و خانواده های شان -

۷/۵/۹۸



دومین روز دادگاهی اسماعیل بخشی

به گزارش رسیده امروز یکشنبه ۱۳ مرداد، جلسه دوم دادگاه اسماعیل بخشی تشکیل شد در ادامه روند بی قانونی های دیروز، امروز در ابتدای جلسه قاضی مقبسه از ورود وکیل دوم پرونده خانم راضیه زیدی به دادگاه جلوگیری نمود.

همچنین زمانی که نوبت به ایراد دفاعیات توسط وکیل اسماعیل بخشی رسید، مقبسه اعلام کرد که نیازی به حضور آقای بخشی نماینده کارگران هفت تپه در جلسه دادگاه نیست، که با اعتراض وکیل این قضیه منتفی شد.

همچنین اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه به قاضی اعلام نمود که خط قرمز من، کارگران هفت تپه و وکیل است و هرگونه توهین به کارگران هفت تپه و وکیل با پاسخ قاطع اینجانب روبرو خواهد شد.

در یکی از بخشهای پرسش و پاسخ از اسماعیل بخشی، قاضی مقبسه به بخشی گفت: "شعار نان، کار، آزادی" شعاری کمونیستی است؛ که بخشی به او اعلام نمود که این شعار معیشتی و مطالباتی است و از خواسته کارگران هفت تپه دفاع نمود. قاضی مقبسه در پاسخ به دفاع بخشی از این شعار کارگران هفت تپه گفت: شعار "نان کار آزادی شعاری زیر شکمی و بالای شکمی است".

همچنین قاضی مقبسه، قرار عسل محمدی را به ۲ میلیارد افزایش داد. در ضمن لازم به ذکر میباشد به علت عدم تودیع وثیقه دو میلیارد تومان، عسل محمدی به زندان منتقل شد.

۱۳ مرداد ۹۸
سنديکای کارگران
نیشکر هفت تپه

امروز ۱۲ مرداد جلسه اول دادگاه کارگران هفت تپه و اعضای نشریه گام در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقبسه برگزار گردید.

در ابتدا کیفرخواست همه بازداشتی ها قرائت شد. سپس نفرات به بیرون دادگاه هدایت شدند. سپس اسماعیل بخشی به عنوان اولین متهم برای اخذ دفاعیات به به دادگاه رفت.

قاضی مقبسه از همان ابتدا با برخورد توهین آمیز سعی در متشنج کردن جو دادگاه داشت. این برخورد غیرقانونی مورد اعتراض اسماعیل و وکیل وی قرار گرفت. قاضی مقبسه حتی حداقل های قانونی دادگاه را رعایت نکرده و به اعتراض وکیل اسماعیل بخشی به این شرایط نیز با الفاظ توهین آمیز برخورد کرد.

برخورد قاضی مقبسه نشان داد که این دادگاه نمایشی است و حکم در جای دیگری صادر شده است. برگزاری این دادگاه نشان داد که قوه قضائیه نه تنها نهادی مستقل نیست بلکه به عنوان بازوی حمایتی سرمایه داران ایفای نقش می کند.

همکاران عزیز این دادگاه در واقع اسماعیل بخشی را به نمایندگی از همه ما کارگران هفت تپه محاکمه می کند. اسماعیل تنها در اعتراض به حقوق های معوقه همه ی ما و از بین رفتن شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه محاکمه می شود.

در ضمن اصل بر علنی بودن جلسه دادگاه پس بنابراین نباید هیچ مانعی برای حضور سایر اشخاص و خانواده های متهمین و خبرنگاران در جلسه دادگاه باشد.

۱۳ مرداد ۹۸
سنديکای کارگران نیشکر هفت تپه

همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!

باز هم گوشه کوچک دیگری از جهان شرم اور سرمایه داران به روایت چند خبر و تصویر

۴- مرداد ۱۳۹۸

دست کم ۱۵۰ پناهجو در دریای مدیترانه غرق شدند



حادثه‌ای تازه در دریای مدیترانه بار دیگر موضوع پناهجویان را در اروپا برجسته کرد. بر اثر غرق شدن دو قایق حامل پناهجویان در سواحل لیبی دست کم ۱۵۰ پناهجو غرق شدند. حدود ۳۰۰ پناهجو با این قایق‌ها قصد داشتند خود را به اروپا برسانند. از آغاز سال جاری میلادی تاکنون مرگ ۷۰۰ پناهجو در دریای مدیترانه ثبت شده است.



از آغاز سال جاری میلادی تاکنون مرگ ۷۰۰ پناهجو در دریای مدیترانه ثبت شده است. (عکس از آرشیو)

۱۵ مرداد ۱۳۹۸

لوازم خانگی در ایران ۲۵ درصد گران شد

مرتضی میری، رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی با بیان اینکه بازار روزهای آرامی را سپری می‌کند، گفت: «قیمت‌ها نسبت به قبل از تحریم سه برابر و امسال هم حدود ۲۵ درصد افزایش داشته است». او افزود: «براساس وعده تولیدکنندگان باید میزان تولید با توجه به ممنوعیت واردات افزایش می‌یافت، اما نه تنها تولید افزایش پیدا نکرد بلکه با کاهش نیز روبه‌رو بوده است». میری کمبود نقدینگی، عدم اختصاص ارز و ماندن مواد اولیه در گمرک را از عوامل کاهش تولید دانست. به گفته او ارز با قیمت ۱۱ هزار تومان به دست تولیدکنندگان می‌رسد و به همین دلیل قیمت‌ها کاهش نمی‌یابد. او همچنین از افزایش قاچاق لوازم خانگی خبر داد و گفت: «علی‌رغم ممنوعیت واردات، شاهد وجود برندهای مختلف خارجی در سطح بازار هستیم».

بیش از ۱۲ میلیون ایرانی دچار اختلالات روانی هستند

خبرگزاری هرانا - طبق آخرین پیمایش سلامت روان، ۱۲ و نیم میلیون ایرانی به اختلالات روانی مبتلا هستند و این آمار در زنان بیش از مردان است. بر این اساس، ۲۳ و ۶ دهم درصد مردم دست کم از یک اختلال روان‌شناسی رنج می‌برند که در مناطق شمال غرب، جنوب شرق و جنوب کشور میزان بالاتری از این اختلالات وجود دارد. طبق این پیمایش، اختلال افسردگی با ۱۲ و ۷ دهم درصد و اختلالات اضطرابی با ۱۵ و ۶ دهم درصد، شایعترین اختلالات روانی در کشور قلمداد می‌شوند. این در حالی است که در اردیبهشت ماه سال جاری وزارت بهداشت اعلام کرد که حدود ۳۰ درصد از مردم ایران دچار اختلال روانی هستند که در مجموع چیزی حدود ۲۱ میلیون نفر را شامل می‌شود. این آمارها در شرایطی اعلام می‌شود که کشور با کمبود جدی در زمینه بیمارستان‌های روانی مواجه است.

نشریه سوسیالیسم امروز:

به خبر زیر لطفا با دقت و تعمق نگاه کنید!

این است گوشه‌ای از چهره عریان و واقعی نظام فاسد و عمیقاً ضد انسانی سرمایه داری. فقط همین رقم ۱۱۷ میلیارد دلار را بین کودکان خیابانی، کسانی که فاقد مسکن یا گرسنه هستند تقسیم کنید ببینید چه میشود. این پولها و کل ثروتهای نه تنها این ۵۰۰ انسان بیمار و فاسد سرمایه دار که کل ثروت جهان سرمایه داری حاصل وجود کار کودکان، استثمار بی‌قوفه طبقه کارگر، اعمال سیستم غیر انسانی کار مزدی، تحمیل گرسنگی و فقر برنامه ریزی شده و عمدانه در ابعاد میلیاردری به انسانهای زنده در این جهان ضد انسانی است! اهر انسانی که به حق اولیه انسانی انسانها باور داشته باشد موظف است خواهان از بین رفتن همه وجوه نظام سرمایه داری باشد!

ثروتمندان جهان در یک روز ۱۱۷ میلیارد دلار از دست دادند

جف بزوس ۳،۴ میلیارد دلار از دارایی‌های خود را روز دوشنبه از دست داد خبرگزاری بلومبرگ به افت شاخص بورس‌های آمریکا به‌خاطر افزایش تنش‌های تجاری با چین اشاره کرده و گفته‌است روز دوشنبه، ارزش دارایی‌های ۵۰۰ ثروتمند بزرگ جهان طی یک روز، ۲،۱ درصد کاهش یافت که این کاهش برابر ۱۱۷ میلیارد دلار است. شاخص بورس‌های آمریکا دوشنبه با اوج‌گیری جنگ تجاری با چین به کمترین میزان طی یک سال گذشته رسید و ارزش سهام بسیاری از شرکت‌ها افت کرد. به‌رغم افت دارایی‌های ۵۰۰ ثروتمند بزرگ جهان، ارزش دارایی‌های آنها هم‌اکنون حدود ۵،۴ تریلیون دلار است که نسبت به ابتدای سال ۲۰۱۹ حدود ۱۱ درصد رشد داشته‌است.

۱۵ مرداد ۱۳۹۸

سازمان ملل: شمار آوارگان جهان به ۷۱ میلیون نفر

رسیده است



جنایت هولناک

♦ عبدالله شهبازی مسنول مرکز مطالعات تاریخ معاصر که وابسته به وزارت اطلاعات حکومت است در وب سایت خود نوشت: این فرد (عباد) در کمال خونسردی و درکمال طنز برای وی تعریف کرده است: «در آذربایجان تعدادی از اعضای یک گروهک را دستگیر کردیم. باید آنها را برای حضور در دادگاه از راه آستارا به گیلان می‌فرستادیم. نگهبان و محافظ به اندازه کافی نداشتیم. همه را در تابوت خوابانیدیم و در تابوت‌ها را میخ زدیم و با کامیون اعزامشان کردیم. زماتی که در مقصد درب تابوت‌ها را باز کردند، همه به علت خفگی مرده بودند!»

ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!

جنایات و سرکوب و استثمار جمهوری اسلامی و مقابله با آن از نگاه چند خبر و تصویر

تجمع فرهنگیان شجاع خوزستان/ اهواز

۱۴ مرداد ۹۸

11:44



دومین روز تجمع معلمان حق التدریس دوشنبه 14 امرداد 98 تهران - مقابل وزارت آموزش و پرورش تکذیب صحبت های علی الهیار ترکمن در زمینه عدم تخصیص بودجه استخدام معلمان حق التدریس، از طرف قاسم احمدی لاشکی نماینده مجلس..

11:48 «بودجه‌ی تصویب شده، کجا هزینه می‌شه؟»

بیش از یک هزار نفر از معلمان حق التدریس سراسر کشور امروز در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کردند. #حق التدریس #تجمع اعتراضی



۱۳ مرداد ۱۳۹۸ ۲

♦ باتوجه به آنکه #سپیده قلیان اعلام کرده بود که تا روز دادگاه در اعتصاب خواهد بود و همچنین خبرها حاکی از آن است که وی به بسیاری از خواسته‌هایش درباره بهبود وضعیت زندان فرجک رسیده است؛ ضمن اعلام همدلی با امیرحسین محمدی فرد به اعتصاب غذای خود پایان داد.

امروز عسل محمدی در جلسه دادگاهش در ارتباط با پرونده بازداشتی‌های هفت تپه بازداشت و روانه زندان گردید.

13 مرداد 98

#خواست سراسری آزادی بازداشت شدگان هفت تپه

په

@anjomanbfbk



● تجمع جمعی از خانواده های بازداشت شدگان، اعضای کانون نویسندگان، معلمان، کارگران ساختمانی و فعالین کارگری مقابل زندان اوین در دفاع از امیر حسین محمدی فرد و بازداشت شدگان هفت تپه و روز جهانی کارگر.

9 مرداد 98

#حمایت سراسری از بازداشت شدگان هفت تپه روز کارگر @anjomanbfbk



پیام تقدیر و تشکر به مناسبت درگذشت پدر عزیزمان، احمد زیجی



اجازه می‌خواهیم به عنوان سه فرزند دیگر زنده یاد احمد زیجی ("مامه گیان")، که به دلیل وجود نکبت جمهوری جانی اسلامی نتوانستیم در خاکسپاری و بدرقه پدر بسیار عزیزمان در شهر بوکان حضور پیدا کنیم، به این وسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند شما گرامیان و از همراهی و همدردی گسترده و بیدریغ تان در شهرهای مختلف ایران و خارج کشور به اطلاع برسانیم و صمیمانه از همه تشکر نماییم. از اینکه نتوانسته ایم در این چند روز پاسخگوی مورد به مورد پیامهای همدردی شما عزیزان در شبکه های مختلف اجتماعی یا از کانال ارسال پیامهای خصوصی شما مهربانان باشیم عمیقاً پوزش می طلبیم. امیدوار هستیم این پیام قدردانی بتواند گوشه ی از آن دریایی مملو از پیامهای محبت آمیز شما عزیزان را جبران نماید.

بطور اخص از همه کسانی که از شهرهای مختلف برای مراسم خاکسپاری و یا شرکت در مراسمهای یادبود پدر عزیزمان در شهر بوکان تشریف برده بودند، و همچنین از همه حضار محترم که در مراسم یاد بود پدرمان در شهر گوتنبرگ سوئد نیز حضور پیدا کرده بودند، و بدینوسیله این اندوه بزرگ را با ما بطور حضوری نیز سهیم شدند بینهایت سپاسگزار هستیم. در اینجا لازم میدانیم بطور ویژه تری از تلاش و زحمات بیدریغ مادر بسیار عزیزمان و همچنین خواهر و برادر و دیگر بستگان عزیزی که در غیاب ما سه نفر در یک پروسه نسبتاً طولانی همدم و همراه پدرمان بودند، از او شبانه روزی مراقبت به عمل آوردند، و انطوری که شایسته پدرمان بود به او رسیدگی کردند، نهایت تشکر و قدردانی از آن عزیزان بعمل آورده و از صمیم قلب دوستشان داریم.

از اینکه پدر ما با افتخار و سربلندی در طول قریب به هشتاد سال زندگی پراز مشقت را سپری نمود، و توانست بنا به آن تاریخ و زندگی سرفراز حتی بعد از مرگش نیز موجی از همدردی و تقدیر شناسی و احترام نسبت به خود را نزد هر انسان منصف و مطلع از آن تاریخ مملو از مشقت و استقامت را به تحرک در آورد، مایه سربلندی همه ما بستگان و فرزندان او است. از اینرو با پخش مرگ احمد زیجی با همراهی و همدردی بیدریغ و گسترده شما یاران و دوستان و هم‌زمان و بستگان محترم مواجه شدیم و با افتخار و احترام و سربلندی آن مرد شریف و زحمتکش را با هم بدرقه کردیم و به خاک سپردیم.

از این بابت یکبار دیگر از تک تک شماهایی که از تهران و کرج و سنج و تبریز و شاهیندژ و سقر و بوکان و مهاباد و ارومیه و ... تا سوئد و آلمان و نروژ و کانادا و انگلستان و ... در بدرقه تحسین آمیز پدرمان نقش آفریدید، و از جمله با حضور خودتان در دو مراسم گرامیداشت در شهرهای بوکان (ایران) و گوتنبرگ (سوئد) درد و اندوه سنگین از دست دادن پدر عزیزمان را بر دوش ما کاهش دادید و سهیم شدید، نهایت سپاس و قدردانی خویش را خدمت تان ابراز میکنیم. ما این همراهی و محبتها را هرگز فراموش نخواهیم کرد! درود بر شما!

یاد عزیز پدر مهربان و دوست داشتنی مان، احمد زیجی (مامه گیان) همیشه زنده و گرامی باقی خواهد ماند. پدر جان عزیزتر از جانمان بدرود!

با احترام!

افسانه زیجی، افسر زیجی، سلام زیجی
۱۲ مرداد ۱۳۹۸ - ۱۳ اوت ۲۰۱۹

پرای پدر سلام زیجی و پدرم ...

درد است درد بزرگی

است ..

ادمو غمگین میکنه به

شکلی که خودت را در آن

خاطرات کودکی

با پدر بودن و درد و رنج

پدر سهیم شدن

تو را با خودش به آن دور دورها میبرد

از خوزستان مظلوم و تا کردستان سرخ...

پدرانی که کارگر بودند

و ما هم کارگر زاده شدیم

هر روز با رنج پدر رنج کشیدیم ..

با بیگاری پدر بیگاری کشیدیم

با اشکهای پدر گریستیم

و در تنهایی که با خودش حرف میزد

ما هم حرف زدیم؟!

ما فرزندان کارگر عادی نبودیم؟!

ما تبعیض طبقاتی را از همان کودکی

با چشمانمان دیدیم و با قلبمان احساس کردیم

آری سلام زیجی رفیق گیان ..

درد است درد بزرگی است

و وقتی که از پدر دور هستی و حتی نتوانی مرگ او را

باور کنی

و همیشه برایت و با خاطراتش زندگی میکنی مثل

من ...

من که بعد از مرگ پدر و مادر نتوانستم آنها را ببینم ...!

؟

چشم انتظار بودند که افق آزادی بر آید و بتوانند

ما ها را ببینند؟! و افسوس

و سالها در حسرت دیدار چشم انتظار و سوختیم ...

شاید وقتی به رفیق کمونیست و مبارز و سیاسی ...

پدرش را از دست میدهد برای خیلی ها

اشک او غریب و باور نکردنی باشد و اما

احساس و عاطفه و مهربانی را در همین انسان های

خوب

بیشتر و بیشتر میتوان دید و احساس کرد

چون همه هم درد مشترک درد ها و رنج ها هستیم ...

و ما هر روزمان

برای بی عدالتی ها ...

نابرابر هاستم ها

اشک می ریزیم؟!

ماها بیشتر از هرکسی ...

اشک های پنهان در گلو داریم

که ریخته شود

مینا سحر

زنده باد نظام شورایی! زنده باد نظام سوسیالیستی!

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت درگذشت پدر رفیق سلام زیجی



با شنیدن خبر درگذشت آقای احمد زیجی، پدر رفیق سلام زیجی دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران، بسیار متأثر گشتیم. درگذشت پدر و مادر برای همه ی ما بسیار مصیبت بار است. اما برای مبارزین که به دلیل وجود نظامی مستبد حاکم بر کشور حتی هنگام مرگ عزیزان خود امکان در کنار بودنشانرا ندارند به مراتب اندوهگین تر است. آقای احمد زیجی سراسر زندگی تلاش و کار و زحمت برای تامین زندگی خانواده اش بوده، و همزمان در برابر اعمال جنایتکارانه و زورگویانه حکومت اسلامی علیه او و اعضای خانواده شان انسانی مقاوم و منتفر و ناراضی از حکومت اسلامی بود.

اعدام پدرش (محمد رسول زیجی) به دست اوباش رژیم، مصادره و دزدیدن همه اموالش در همان سالهای اول انقلاب ۵۷ در شهر شاهیندژ، از دست دادن مجدد همه امکانات زندگی اش در دوره آوارگی در بوکان و مناطق تحت کنترل احزاب سیاسی آنزمان، و بعد از آن دوره نیز تداوم فشار و خانگرمیها و دیگر اقدامات بزدلانه جمهوری اسلامی و عواملش علیه آن خانواده به بهانه فعالیت فرزندان، رفیق سلام زیجی، و بدلیل زیر بار حاکمیت اوباش اسلامی نرفتن آنها، و بلاخره نگرانی عمیق دوری از فرزندان نتوانست این پدر زحمتکش و خانواده اش را از پای در آورد. در انتهای این پروسه پراز فراز و نشیب زندگی در نهایت مرگی سربلند برای آن پدر مهربان و رسوائی و وحشی گری توأم با وحشت و ترس برای جمهوری اسلامی و کاسه لیسانش باقی ماند! بدون تردید در آینده نزدیک همه جنایتکاران اسلامی و مزدوران محلی آنها را مجازات و کل بساطشان را به زباله دان تاریخ خواهیم ریخت!

همراهی و همدردی بسیار گسترده ای که در ایران و خارج از کشور به مناسبت درگذشت آقای احمد زیجی از سوی انسانهای ازاده و شرافتمند صورت گرفت نشانه ارج گذاری بر زندگی سرافرازانه این انسان زحمتکش و خانواداش بود.

از جانب حزب سوسیالیست انقلابی ایران درگذشت پدر عزیزمان آقای احمد زیجی را به رفیق مبارز سلام زیجی و اعضای خانواده و بستگان گرامیشان و به همه کسانی که در اندوه از دست دادن آقای احمد زیجی سهیم بودند، تسلیت عرض نموده و برای باز ماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نمایم.

یاد عزیزش همواره گرامی باد!

آذر کیمیا

از جانب رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۱۶ مرداد ۱۳۹۸ - ۷ اوت ۲۰۱۹

روزهای یکم و پانزدهم هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!